

بازبینی و نقد فرهنگ کیمیا

حسین داوری (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)

ابوطالب ایرانمهر (عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شاهرود)

سید مهدی عرفانی (عضو هیئت علمی دانشگاه دامغان)

فرهنگ کیمیا (فارسی - انگلیسی)، کریم امامی، فرهنگ معاصر، تهران ۱۳۸۵، یازده + ۱۰۰۱ صفحه.

۱ مقدمه

امروزه فرهنگ‌نگاری نوین، به مثابه شاخه‌ای برجسته از زبان‌شناسی کاربردی، (قانعی‌فرد ۱۳۸۴؛ قطره ۱۳۸۶؛ هاشمی میناباد ۱۳۸۶؛ Cook 2003; Kaplan 2002; Jackson 2002) مجهز به اصول و مبانی‌ای است که فاصله‌ای بسیار با فرهنگ‌نویسی سنتی دارد. با وجود پیشینه روشن ایرانیان در این عرصه، واقعیت آن است که فرهنگ‌نگاری نوین ساز و کارهایی بس

متفاوت از فرهنگ‌نویسی سنتی یافته که بی‌توجهی به آنها و نیز توقف در شیوه‌ها و رویکردهای سنتی، نتیجه‌ای جز افزایش آسیب‌ها و کاستی‌ها در این عرصه نداشته و ندارد. با وجود آنکه، در دهه‌های اخیر و به‌ویژه در یک دهه گذشته، شاهد انتشار برخی آثار برجسته و تحول‌آفرین در حوزه فرهنگ‌های یک‌زبانه و دوزبانه بوده‌ایم، اما بررسی فضای حاکم بر فرهنگ‌نگاری ما کماکان حکایت از غلبه آسیب‌ها و کاستی‌هایی دارد که بی‌تردید بی‌توجهی به این آسیب‌ها و کوچک شمردن آنها نتیجه‌ای جز تعمیق شکاف ما با پیشتازان این عرصه به همراه نخواهد داشت.

از جمله حوزه‌های مطرح در بخش فرهنگ‌نگاری نوین حوزه نقد فرهنگ است که رویکردی علمی در بهبود وضعیت فرهنگ‌نگاری شناخته می‌شود (وثوقی ۱۳۸۲؛ قانعی‌فرد ۱۳۸۴). به عبارتی دیگر، اصول فرهنگ‌نگاری نوین به مثابه سنگ محکی برای سنجش فرهنگ‌هاست که در نقد هر فرهنگ می‌بایست بدان توجه شود.

همان‌گونه که اشاره شد در سال‌های اخیر، شاهد نوآوری‌ها و پیشرفت‌هایی در حوزه فرهنگ‌های یک‌زبانه و دوزبانه بوده‌ایم که درخصوص فرهنگ‌های دوزبانه انگلیسی به فارسی می‌توان به آثاری چون فرهنگ هزاره، تألیف دکتر علی‌محمد حق‌شناس و همکاران (۱۳۸۱)، فرهنگ نشر نو، تألیف محمدرضا جعفری (۱۳۸۳) و فرهنگ پویا، تألیف محمدرضا باطنی (۱۳۸۵)، اشاره کرد؛ فرهنگ‌هایی که در مقایسه با آثار دیگر در این حوزه نوعی تحول محسوب می‌شوند. اگرچه درخصوص فرهنگ‌های دوزبانه فارسی به انگلیسی چنین تحولی کمتر مشهود است، اما می‌توان از فرهنگ کیمیا، تألیف مترجم فقید کریم امامی، نام برد که در مدت کوتاهی پس از انتشار با اقبال خوبی همراه بوده و تا حدودی جای خالی فرهنگی کاربردی را در این بخش در بین کاربران و مخاطبان این دسته از فرهنگ‌ها پر کرده است. از این رو، در این تحقیق، سعی بر آن است تا، در چارچوب مبانی و مؤلفه‌های نقد فرهنگ، به ارزیابی و

بازبینی این اثر پرداخته شود تا، از سویی، تصویری مناسب‌تر از ویژگی‌های آن و به‌طور خاص کاستی‌های آن هویدا گردد و، از سویی دیگر، ضرورت و اهمیت پرداختن به این مؤلفه‌ها در راستای نقد این دسته از آثار بیش از پیش بر اهل فن هویدا گردد.

۲ پیشینه تحقیق

اساساً بحث درباره فرهنگ‌نگاری و نقد فرهنگ، بدون توجه به فضای حاکم بر این عرصه و نیز شناخت آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی آن، مقبول نمی‌نماید، زیرا بخش قابل توجهی از کاستی‌های این بخش متأثر از چنین فضایی است. اگرچه بررسی آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی فرهنگ‌نگاری در ایران خود مجال دیگری می‌طلبد، اما به اجمال می‌توان به این موارد اشاره نمود:

- ۱) عدم تبیین و شناخت مناسب جایگاه، گستره و اهمیت زبان‌شناسی کاربردی و شاخه‌های آن و از آن جمله فرهنگ‌نگاری در مراکز علمی (قطره ۱۳۸۶؛ هاشمی میناباد ۱۳۸۶)
- ۲) وجود خلأ نظری و عملی در حوزه فرهنگ‌نگاری (قانع‌فرد ۱۳۸۴؛ قطره ۱۳۸۶)
- ۳) تداوم شیوه‌های سنتی فرهنگ‌نویسی (وثوقی ۱۳۸۲؛ قانع‌فرد ۱۳۸۴؛ قطره ۱۳۸۶)
- ۴) فقدان متولی مشخص در بخش فرهنگ‌نگاری و آشفتگی بازار نشر (وثوقی ۱۳۸۲؛ قانع‌فرد ۱۳۸۴)

۵) فقدان گنجینه واژگان زبان فارسی (انوری ۱۳۸۱؛ قانع‌فرد ۱۳۸۴)

۶) فقدان سنت نقد علمی (وثوقی ۱۳۸۲؛ قانع‌فرد ۱۳۸۴؛ هاشمی میناباد ۱۳۸۶)

اما به‌طور خاص درخصوص پیشینه نقد فرهنگ کیمیا می‌توان به دو نقد اشاره کرد. نخست، نقد داریوش آشوری که در مقاله‌ای نسبتاً کوتاه در وبلاگ^۱ خود با عنوان

۱) ashuri.malakut.org این وبلاگ حاوی مقالات و نقدهای داریوش آشوری است در حوزه‌هایی چون واژه‌گزینی، فرهنگ‌نگاری، نقد فرهنگ، ریشه‌شناسی و ...

«بازبینی فرهنگ کیمیا» به نکاتی چند دربارهٔ نقاط قوت و ضعف این اثر بسنده کرده است که این نکات را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

الف) ضبط نوواژه‌ها و واژه‌های رواج‌یافته در دهه‌های اخیر که در فرهنگ‌های پیشین جایی نداشته‌اند.

ب) حذف واژه‌هایی که دیگر در زبان فارسی امروز رواج ندارند و در فرهنگ‌های پیشین کم و بیش وارد شده بود.

ج) محدود بودن فرهنگ به واژه‌های فارسی نوشتاری امروز و خلأ زبان گفتاری و عامیانه در آن.

د) عدم بهره بردن از پیکرهٔ زبانی یا زبان انبار^۲ که نتیجهٔ آن بی‌توجهی به بسامد و حوزهٔ کاربردی واژه‌های فرهنگ است.

ه) مشکلات متعدد ویرایشی - البته به عقیدهٔ آشوری برخی از آنها به نداشتن فرصت کافی مؤلف بازمی‌گردد - که از آن جمله می‌توان به ارائهٔ تعاریف عجیب و غریب به جای معادل، ارائهٔ صورت اسمی بدون ارائهٔ صورت صفتی یا به عکس، عدم هماهنگی در ارائهٔ اسم‌ها و همکردهای آنها، ارائهٔ مثال‌ها و شاهد‌هایی غریب و بی‌هدف، ضبط واژه‌هایی غریب و ضعف در برخی برابر نهاده‌ها اشاره نمود.

یادآوری می‌گردد که آشوری در خصوص این موارد یا به هیچ مثالی اشاره نکرده یا به مواردی معدود بسنده کرده است.

دومین نقد در خصوص این اثر به قانعی‌فرد (۱۳۸۴) مربوط می‌شود که در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به فرهنگ کیمیا تدوین شادروان کریم امامی؛ فرهنگی فارسی در کتابخانه‌های جهان» به ذکر نکاتی قابل تأمل دربارهٔ این فرهنگ پرداخته است. مهم‌ترین این نکات را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

الف) کاستی فرهنگ در شناخت مخاطبان خود و ارائه منابع معتبر؛
ب) عدم معرفی پیکره معین یا اتکای فرهنگ بر پیکره و مجموعه واژگانی
مشخص؛

ج) ضعف در طبقه‌بندی و نحوه ارائه معادل‌ها؛

د) مشخص نبودن سرواژه‌ها و زیرمجموعه‌ها؛

ه) نبود نوعی نظم و سیاق خاص و کاربردی در ارائه زیرمدخل‌ها؛

و) عدم معرفی برخی نشانه‌ها و علائم در فرهنگ؛

ز) وجود غلط‌های املائی پراکنده یا معادل‌هایی مهجور و گنگ.

البته قانعی‌فرد نیز در خصوص هر یک از این موارد به کمترین مثال ممکن بسنده کرده است و این کمبود در نقد او کاملاً محسوس می‌نماید.

۳ مبانی نقد فرهنگ

به استناد قانعی‌فرد (۱۳۸۴، ص ۳۷)، در نقد فرهنگ‌نگاری معمولاً دو بخش عمده مورد نظر است:

۱) دانش و نقش ذهنیت فرهنگ‌نگار

۲) شیوه و سبک فرهنگ‌نویسی او

که در اینجا به اجمال به معرفی این دو بخش مهم پرداخته می‌شود:

۳-۱ دانش و نقش ذهنیت فرهنگ‌نگار

به استناد قانعی‌فرد (همان‌جا) در این باره می‌خوانیم:

در مقوله اول، تسلط فرهنگ‌نگار بر زبان‌شناسی، شیوه معادل‌گزینی، معنایابی،

سبک‌شناسی و کاربردشناسی مقابله‌ای، تسلط به زبان مقصد و مبدأ، یا به عبارتی

زبان‌دانی او، روش تحقیق و منبع‌شناسی و اخذ روشی یکدست و معیار برای رعایت اصول فرهنگ‌نگاری در معادل‌یابی فرهنگ لغت مطرح است. به عبارتی دیگر، این بخش نوعی ارزیابی عمدتاً معطوف به مبانی نظری این فن است.

۳-۲ شیوه و سبک فرهنگ‌نویسی

به استناد قانعی‌فرد (همان‌جا):

در این بخش، اتخاذ نظام معین و روش درست و منطقی، وسعت و دامنه زبان در فرهنگ و مسئله تفکیک حوزه کاربردی، شمول معنایی، طبقه‌بندی بر پایه تفاوت‌های کاربردی بررسی و تحلیل می‌گردد.

در بخش نخست، یعنی بررسی نحوه به‌کارگیری نظام معین و روش منطقی، مسائلی صوری، چون استفاده از نشانه‌ها، رسم‌الخط، قواعد املائی، نظام آوانگاری، اطلاعات و استثناهای دستوری، شواهد و مثال‌ها، ارجاع‌ها، مدخل‌های اصلی و زیرمجموعه مدخل‌ها، اصطلاحات، ترکیب‌ها، اسامی خاص، مقولات فرهنگی و... مطالعه و بررسی می‌گردد.

بی‌شک این دو بخش ارتباطی فشرده با یکدیگر دارند، به نحوی که می‌توان بازتاب این دو را در رابطه‌ای دوسویه در یک فرهنگ به‌خوبی مشاهده کرد. از این رو، در ادامه با تکیه بر این دو مؤلفه و زیربخش‌های آن به نقد فرهنگ کیمیا پرداخته می‌شود.

یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که این فرهنگ مقدمه مؤلف ندارد که البته دلیل آن هم درگذشت وی در مراحل پایانی انتشار کتاب است. در ضمن ویراستار اثر، یعنی دکتر خزاعی‌فر، نیز یادداشت یا مقدمه‌ای در معرفی اثر ننوشته که خود می‌تواند نقصی جلی‌بر این فرهنگ باشد. از این رو، بی‌تردید در خصوص آشنایی با دیدگاه، نحوه کار

و چارچوب تألیف این اثر، مهم‌ترین منبع مصاحبه مؤلف فقید در مراحل پایانی تدوین این فرهنگ است که با عنوان «در راه و بیراهه فرهنگ‌نگاری» در نشریه مترجم (۱۳۸۳) منتشر شده و از جهاتی متعدّد می‌تواند هم در ترسیم دانش و نقش ذهنیت وی و نیز در ارائه شیوه و سبک فرهنگ‌نویسی وی راهگشا و قابل استناد باشد. استناد به این مصاحبه با هدف آشنایی با دیدگاه مؤلف درباره مقوله فرهنگ و فرهنگ‌نگاری، مبانی نظری آن، شیوه کار، مخاطب‌سنجی، روش تحقیق و منبع‌شناسی ضروری می‌نماید، مقولاتی که معمولاً در مقدمه اثر ذکر می‌شود و به علت نبود مقدمه، چنان‌که در بالا ذکر شد، خلأ آن کاملاً محسوس است.

۴ دیدگاه نظری مؤلف درباره فرهنگ‌نگاری

تسلط فرهنگ‌نگار بر مبانی زبان‌شناسی و بهره‌جستن وی از اصول این علم موضوعی است که در فرهنگ‌نگاری نوین انکارناپذیر می‌نماید. اساساً، در تألیف فرهنگ‌های جدید و مبتنی بر اصول و مبانی نوین این علم، بهره‌جویی از دستاوردها و توسل به شاخه‌های علم زبان‌شناسی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و، از این رو، در بررسی و نقد فرهنگ، توجه به نگاه فرهنگ‌نگار به این مهم مسئله‌ای اساسی است. (قانعی‌فرد ۱۳۸۴؛ قطره ۱۳۸۶)

بی‌شک، در بررسی فرهنگ کیمیا، توجه به دیدگاه مؤلف درباره این موضوع می‌تواند راهگشا باشد. بنابراین ضروری است تا، با توجه به اطلاعات موجود، تصویری مناسب از دانش و دیدگاه مؤلف درباره فرهنگ‌نگاری و نیز به‌طور خاص رویکرد وی در تألیف فرهنگ کیمیا ترسیم گردد.

امامی در مصاحبه مذکور، در پاسخ به پرسشی در خصوص سابقه خود در فرهنگ‌نگاری که بی‌شک تصویری مناسب از نگاه وی به این حوزه پیش روی خواننده

می‌گذارد، می‌گوید:

حقیقتش را بخواهید به آن صورت نه. ولی کسی که همه عمرش را صرف آموختن زبان و ترجمه از هر دو سو کرده، دل‌مشغول برابری و هم‌ارزی واژه‌ها و اصطلاحات دو زبان بوده و با فرهنگ‌های لغت سروکار داشته طبعاً در یکی از مراحل زندگی به این فکر می‌افتد که او هم دست به تألیف فرهنگی بزند. ولی من هر وقت دچار وسوسه فرهنگ‌نگاری می‌شدم فوراً خودم را منصرف می‌کردم با این استدلال که فرهنگ‌نگاری کار یک عمر است و اگر آدم مبتلا شد دیگر فرهنگ دست از سرش برنمی‌دارد. وقتی آدم از کار یکی فارغ شد تازه به فکر می‌افتد که آن را بزرگ کند یا کوچک کند یا زان‌سویه کند و این الگویی است که مرحوم حییم سی سال تمام از آن پیروی کرده بود.

تأملی در این پاسخ و نیز برخی دیگر از پاسخ‌های وی، که در ادامه بدان اشاره خواهد شد، بیانگر آن است که اصولاً امامی توجهی به اصول نظری فرهنگ‌نگاری نداشته و نتایج این ضعف نظری در بخش‌های مختلف اثر او کاملاً تأثیرگذار بوده است که در ادامه به شواهد متعددی از آن اشاره می‌شود.

۴-۱ مخاطب‌شناسی و نیازسنجی

تشخیص سطح مخاطبان یک فرهنگ گامی در راستای تعیین چارچوبی تعریف‌شده برای آن است که یک فرهنگ را از مجموعه صرف واژه‌های زبان جدا می‌کند. قانعی فرد (۱۳۸۴، ص ۹۹) در این باره می‌نویسد:

اگر چه امامی نیم قدمی در مقایسه با دو فرهنگ حییم و آریانپور برداشته، اما کماکان حالت گنجه، مجموعه و خرواری دارد که هزاران لغت را کنار هم گذاشته و مراجعه‌کننده و مخاطب فرهنگ مورد توجه قرار نگرفته است.

امامی در مصاحبه خود درباره مخاطبان این فرهنگ این گونه می‌گوید:
مخاطبان فرهنگ در درجه اول ایرانیانی هستند که در کار ترجمه یا تحقیق یا مسافرت نیاز به یافتن معادل انگلیسی برای واژه‌ها و اصطلاحات رایج زبان دارند و در درجه دوم برای غیر فارسی‌زبانانی که در حال آموختن زبان فارسی هستند.
آن گونه که از پاسخ امامی برمی‌آید این فرهنگ باید حاوی واژه‌های رایج و پرکاربرد زبان فارسی باشد که نیاز این طبقه را برطرف سازد. در بخش بررسی واژه‌گزینی این فرهنگ به‌طور مفصل به این مدعا پرداخته خواهد شد.

۴-۲ منبع فرهنگ

قانعی فرد (همان، ص ۹۹-۱۰۰) فرهنگ کیمیا را فاقد منبعی معتبر می‌شناسد و حرکت فردی و اعمال سلیقه شخصی را آفت علمی این اثر در کنار برخی دیگر از آثار موجود می‌داند.
امامی در خصوص انتخاب مدخل‌های فرهنگ کیمیا این گونه می‌گوید:

در این سال‌ها در خارج، وقتی ناشری قصد درآوردن فرهنگی را در حجم معینی می‌کند، برای انتخاب مدخل‌ها به یک بانک کامپیوتری واژگانی یا corpus که یا خودش به وجود آورده و یا مؤسسات تحقیقی و دانشگاهی این کار را کرده‌اند مراجعه می‌کند و فهرست مثلاً ۲۰ هزار واژه پرکاربرد زبان را از آن استخراج می‌کند و این فهرست بسامدی می‌شود اساس کار او و مؤلفان فرهنگ در corpus، علاوه بر این، شاهد‌های زیادی از کاربرد واژه‌ها توسط اهل زبان، چه به صورت مکتوب و چه به صورت شفاهی، آن‌سان که در رادیو و تلویزیون و مکالمات روزمره به کار می‌رود، ضبط شده و موجود است و این شاهد‌ها هم بخشی از مواد و مصالح کار را برای فرهنگ‌نویسان فراهم می‌آورند. اما در اینجا ما هنوز یک بانک واژگانی از کاربرد ملموس زبان را پدید نیاورده‌ایم. این است که من مؤلف برای

دستچین کردن واژه‌هایی که می‌خواهم به عنوان مدخل در فرهنگ بگنجانم ناچارم بر شمّ زبانی خود تکیه کنم و خود تصمیم بگیرم که فلان واژه فارسی آیا آن‌قدر رایج است که جزء ۲۰ تا ۲۵ هزار واژه اول زبان قرار بگیرد یا نه. به این ترتیب، در آغاز کار، از بهترین فرهنگ‌های موجود - فرهنگ معین و فرهنگ فارسی امروز صدری افشار و همکاران و علاوه بر آنها فرهنگ بزرگ سخن در حال حاضر - شروع می‌کنم به انتخاب واژه‌ها. پس لغات مهجور را کنار می‌گذارم و به سراغ واژه‌های زنده و پرکاربرد می‌روم. در ذهن من، فرهنگ متوسط باید برشی از زبان زنده امروز را نشان بدهد، از این رو، علاوه بر واژه‌هایی که در زبان مکتوب و رسمی کاربرد دارند، در زبان گفتار نیز جستجو می‌کنم و چون قرار است تأکید خاص هم بر واژه‌ها و ترکیبات نو داشته باشم سعی می‌کنم فهرستی از واژه‌های نو را تهیه کنم و در فرهنگ بگنجانم. علاوه بر فرهنگ فارسی امروز و مصوّبات فرهنگستان، در روزنامه‌ها و رسانه‌های دیگر هم جستجو می‌کنم و واژه‌های جدید را که رواج عام یافته‌اند به فهرست مدخل‌ها اضافه می‌کنم.

در ادامه، با بررسی مدخل‌های این فرهنگ، به قضاوت در خصوص میزان درستی این ادّعا می‌پردازیم.

۵ مؤلفه‌های نقد فرهنگ کیمیا

در این بخش، برآن‌ایم تا با تکیه بر برخی مؤلفه‌ها و مبانی بنیادین نقد فرهنگ، به نقد و بازبینی این فرهنگ بپردازیم. در خصوص هر یک از این مؤلفه‌ها، سعی بر آن بوده تا در حد امکان به شواهد و نمونه‌هایی قابل توجه از لحاظ کمی اشاره شود تا تصویری مناسب‌تر از فرهنگ ارائه گردد. اساساً، با توجه به مؤلفه‌های تعریف‌شده در نقد فرهنگ که پیش‌تر بدان‌ها اشاره شد، نقد و بازبینی این فرهنگ به نُه حوزه معطوف می‌گردد.

۵-۱ ضعف در انتخاب مدخل‌ها

امامی (۱۳۸۳) فرهنگ کیمیا را فرهنگی مبتنی بر زبان فارسی امروز می‌شمارد که وی با تکیه بر برخی منابع و عمدتاً بر اساس شمّ زبانی خود به گزینش مدخل‌های آن پرداخته است. اگرچه آشوری یکی از امتیازات این فرهنگ را در گزینش درآیندها یا مدخل‌های آن برمی‌شمارد و آن را امتیازی بر فرهنگ‌های پیشین دانسته و در تأیید ادعای خود به ذکر شواهد و نمونه‌هایی از مدخل‌های جدید و کنار گذاشتن مدخل‌هایی مهجور پرداخته، اما بررسی مدخل‌های این فرهنگ بیانگر آن است که این فرهنگ کماکان در این دو مورد با ضعف‌هایی جدی روبروست که این موضوع را می‌توان در دو بخش مطرح کرد:

۵-۱-۱ ارائه مدخل‌های مهجور

وجود حجم نسبتاً قابل توجهی واژه مهجور و منسوخ در قالب مدخل‌های این فرهنگ بیانگر آن است که در مدخل‌گزینی این فرهنگ ضعفی جدی وجود دارد. نگاهی به این مدخل‌ها خود شاهدی گویا بر این مدعاست: ایقان، انیاب، ابه، انجره، آجیدن، باتیک، زفیر و شهیق، جیرو، شخانه، ناک، شلال، آبخوان و...

بی‌شک این دسته از واژه‌ها به هیچ وجه نمی‌توانند برشی از فارسی امروز، آن‌گونه که امامی مدعی آن است، باشند.

۵-۱-۲ عدم ارائه مدخل‌های رایج

در حالی شاهد ارائه مدخل‌های مهجور در این فرهنگ هستیم که حجم قابل توجهی از مدخل‌های فارسی امروز در این اثر مورد بی‌توجهی واقع شده است، مدخل‌هایی که در زبان گفتار و نوشتار بسیار رایج و پرکاربرد هستند و بی‌شک باید در این فرهنگ

گنج‌انیده می‌شدند. در تایید این ادعا ذکر این شواهد ضروری می‌نماید:

ارتودنسی، ارتوپدی، اتوشویی، وازکتومی، لفاظی، لغت دادن، پتانسیل، پرینت، تافت، استریل، استریو، آس و پاس، گذشتگان، شبه قاره، کوهنوردی، صخره‌نوردی، باد گلو، بدقواره، بدقیافه، از بین بردن، از بین رفتن، اصله، اضافه وزن، زنا کردن، تاقچه، تاقباز، تودماغی، خون جگر، پت پت کردن، احیاگر، احاله کردن، ضرب‌الاجل، صیانت، صیحه و...

بدون تردید ذکر این دسته از واژه‌های رایج در زبان فارسی در قالب مدخل ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. رجوع به منابع مورد ادعای مؤلف نیز خود شاهدی بر رایج بودن این دسته از واژه‌ها و مهجور بودن واژه‌های متعددی است که در این فرهنگ در قالب مدخل ارائه شده است.

۲-۵ معادل‌گزینی

شاید بتوان بزرگ‌ترین ضعف فرهنگ کیمیا را در بخش معادل‌گزینی آن برشمرد که در سه حوزه قابل بررسی است: نخست ارائه تعریف به جای معادل؛ دوم ارائه معادل‌های نادرست؛ سوم، ارائه معادل‌های ترکیبی - توصیفی.

۱-۲-۵ ارائه تعریف به جای معادل

در جای جای فرهنگ کیمیا، شاهد ارائه تعاریف و در بسیاری موارد تعاریفی عجیب برای واژه‌هایی هستیم که در زبان انگلیسی دارای معادل‌اند. در مواردی نیز شاهدیم که در کنار این تعاریف، معادل یا معادل‌هایی ذکر شده که خود بر ابهام این‌گونه معادل‌گزینی افزوده است. حال ضمن ارائه تعدادی از این موارد به معادل‌های مناسب آن در زبان انگلیسی اشاره می‌گردد؛ معادل یا معادل‌هایی که خلا آنها در این فرهنگ کاملاً

مشهود است:

معادل مناسب	تعریف ارائه شده	مدخل فرهنگ
irrigation/ water supply	the act of supplying water to farmlands etc.	آبرسانی
rioter/riotous	an advocate of lawlessness	آشوب طلب
annoyance/hurt	feeling offended/ feeling insulted/taking offence	آزدگی
nuts/ dried nuts	a mixture of roasted and salted nuts such as watermelon seeds, almonds, pistachios, hazelnuts, etc	آجیل
to inject	to give sb an injection	آمپول زدن
boastful/ braggart	a boastful person who lies about his achievements/ a liar	آدم چاخان
eclecticism	the act of picking and combining elements from different places	التقاط
snobbishness/haughtiness	putting on airs/ being haughty	افاده
expansive	characterized by expansion	انبساطی
to tinker with/ fiddle(about/around) with	the functioning of a machine by touching the buttons	انگولک کردن
inflammation	a burning sensation because of heat or excitement	التهاب
to inculcate/ to inspire	to suggest an idea to sb	القا کردن
annexation/ attachment	the act of joining sth/ being annexed	الحاق
gesture	a small sign made by the eyebrows etc	ایما
to offset	1-to reproduce a book etc by the offset process 2- to pirate a book etc	افست کردن
to attribute/ to assign	calling sth by a particular name/ applying a special meaning to a word	اطلاق
to feed	to feed a group of people	اطعام کردن
attribution/imputation	the act of attributing sth to sb	اسناد
kick	a kick in the but/ a kick in sb 's behind	اردنگی
regard/respect/devotion	feeling of friendship and devotion	ارادت

معادل مناسب	تعریف ارائه شده	مدخل فرهنگ
eugenics	improving a plant or animal 's stock by selective breeding	به نژادی
fruiterer	a fruit and vegetable wholesaler	بارفروش
to point/ to joint	to point up the joints in a brickwork	بندکشی کردن
to impale	to subject sb to physical torture or mental anguish	به صلابه کشیدن
improvisation	the art of composing off-the-cuff poems	بدیهه‌سرایی
generosity/donation	the act of giving/donating sth	بذل
scurrility/scurrilousness	using foul language	بددهنی
tub/ basin	a flat round tub made of metal or plastic	تشت
stagger	a staggering motion (as if one is about to fall)	تلوتلو
penitent	a penitent person(esp. one who has switched sides)	توآب
annotation	the act of adding marginal notes to a text	تحشیه
incitement/excitation	the act of inciting sb to do sth	تحریض
arcade	a small caravanserai near the bazaar where traders have their offices	تیمچه
net weaving	weaving nets or lace	توربافی
sympathy/compassion	the act of extending kindness and sympathy to sb	تفقد
inlaying	the act of decorating sth with inlaid gems	ترصیع
squeaky	speaking with a squeaky voice	جیغ جیغو
to season/ to spice	to add sth to food to improve its taste	چاشنی زدن
pipe	a clay pipe with a long stem	چپق
tuition	a teacher's hourly-rated pay	حق التدریس
can / tin	a cubic container made of tin plate	حلب
to chip	to cut sth into thin narrow strips	خلال کردن
estuary/ bight/cove	an arm of the sea stretching inland along the coasts of the Persian Gulf	خور

معادل مناسب	تعریف ارائه شده	مدخل فرهنگ
clangor/gaffe	the disappointment and bitterness following sb's failure	خیطی
borstal/ reformatory	a house of correction for juvenile delinquents	دارالتأدیب
darning	expert repair work(on a damaged carpet , fabric, etc)	رفوگری
boom/prosperity	1- the peak of sth's splendour 2- business boom	رونق
adultery	the act of committing adultery	زناکاری
stoning	death by stoning	سنگسار
to poke/to nudge	to nudge sb with one's elbow or fist	سقلمه زدن
souvenir	a gift from afar (brought by sb who has been on a journey)	سوغات
crawl	crawling on one's belly	سینه خیز
to wire	to lay out the electrical wiring of a house etc	سیم کشی کردن
pundit/ authority	an authority on a given subject	صاحب نظر
distillation	1- distilling herbal essences 2- a distillery for extracting herbals essences	عرفگیری
oil extracting	the process of extracting oil from fruits or seeds	عصاری
thrift	the ability to manage one's money/ domestic economy	عقل معاش
to castrate/ to sterilize	to make a man infertile through vasectomy or castration	عقیم کردن
blow/sniff	the act of blowing one's nose	فین
appeal	the act of filing an appeal to the Supreme Court	فرجام خواهی
nape	back of the neck	قفا
contractual employee	sb who has been employed for a limited period of time	کارمند پیمانی
stinginess	acting as a miser/miserly conduct	گدابازی
sharecropping	a contract of crop-sharing(under which sb cultivates sb else's land)	مزارعه
insecurity	the state of being unsafe/ lack of security	ناامنی
to escort	to escort a high personage	هم‌روی

۲-۲-۵ ارائه معادل‌های نادرست

اما ضعف دیگر در بخش معادل‌گزینی این فرهنگ به ارائه معادل‌هایی غلط بازمی‌گردد که در مواردی معادل‌هایی خودساخته‌اند و در مواردی دیگر واژه‌هایی انگلیسی‌اند که معادلی مناسب برای مدخل‌های فارسی ارائه شده نیستند. در ذیل، به مواردی از این دست اشاره می‌شود:

معادل مناسب	تعریف ارائه شده	مدخل فرهنگ
spike	(in volleyball etc) a spiked ball	آبشار
traffic	pedestrian traffic	آمد و شد
real estate agency	real estate agent	آژانس املاک
phonetician	phonologist	آواشناس
phonetics	phonology	آواشناسی
dustman	refuse collector/ scavenger	آشغال جمع‌کن
incurable	that will not heal/ unhealable	التیام‌ناپذیر
blackmail	a forced payment	باج سبیل
slang	colloquialism	زبان عامیانه
vegetables	various greens and vegetables/ legumes	سبزیجات
disinfection	disinfectant	ضد عفونی
flat	(of tires) insufficiently inflated	کم باد
pocket book	a paperback	کتاب جیبی

نکته دیگر در بخش معادل‌ها به مدخل‌هایی بازمی‌گردد که در آنها تعریف و معادل به همراه یکدیگر آمده است و در مواردی این تعاریف غیر ضروری و البته اشتباه و در مواردی معادل ارائه شده نادرست است.

۳-۲-۵ ارائه معادل‌های ترکیبی - توصیفی

یکی دیگر از نکات تعجب‌آور در این فرهنگ ارائه معادل‌هایی معمولاً ترکیبی یا توصیفی برای واژه‌های فارسی است، بدین معنا که در کنار معادل ارائه‌شده، برای توضیح بیشتر صفت یا اسمی آورده شده که منظور از آن ارائه معادلی دقیق‌تر بوده است، فارغ از آنکه این کار به نوعی حشو یا معادل‌هایی نامناسب انجامیده است. ذکر نمونه‌هایی از این دست گویای این مدعاست:

معادل مناسب	معادل ارائه‌شده (ترکیبی - توصیفی)	مدخل فرهنگ
toilet	public toilets	آبریزگاه
exhaust	the exhaust pipe	اگزوز
defloration	deflowering a virgin	ازاله بکارت
interior	the hidden interior of sth	باطن
butt	a cigarette butt	ته سیگار
traffic	traffic congestion	ترافیک
omitted/ left out	inadvertently omitted	جاافتاده
brick	mud bricks/ sun-dried bricks	خشت
arsenic	yellow arsenic	زرنیخ
emerald	emerald green	زمردی
palsy	shaking palsy	رعشه
jar	an earthen jar	سبو
records	past records	سوابق
antique	an antique object	عتیقه
landowner	a big landowner	ملاک
tutor	a private tutor	معلم خصوصی
nib	a pen nib	نوک قلم

۳-۵ طبقه‌بندی معادل‌ها

نحوه طبقه‌بندی معادل‌ها ضعف جدی دیگر فرهنگ کیمیاست. قانع‌فرد (۱۳۸۴، ص ۱۰۱) در نقد خود بر این اثر متذکر این مسئله شده و ضمن تعریف مقوله طبقه‌بندی به ذکر شواهدی از نقص‌های این فرهنگ در این بخش پرداخته است. در این باره می‌خوانیم:

در فرهنگ‌های معتبر جهان در مبحث طبقه‌بندی^۳ هفت طبقه را در نظر می‌گیرند تا هر لغتی از آن الگو و قالب عبور کند و مانند هنر منبت یا مرصع‌کاری است.

الف) واژه (واژه اصلی) / ب) طبقه‌بندی دستوری (شناسنامه دستوری) / ج) طبقه‌بندی معنایی / د) همنشینی (ترکیب‌ها) / ه) معادل‌ها / و) ساختار و کاربرد / ز) ترکیب‌ها و همنشینی‌های متفاوت. در این الگوی ساختاری^۴ نکات غیر مشترک هر دو زبان فرهنگ‌نویس را وادار می‌سازد که قبل از آغاز کار فرهنگ‌نگاری و معادلیابی ساختار اصلی خود را پی‌ریزی کند... در این فرهنگ، کریم امامی ظاهراً خود را موظف و ملزم به این کار ندیده است.

بی‌شک ذکر نمونه‌هایی از این ضعف در طبقه‌بندی معادل‌ها به ارائه تصویری مناسب‌تر از این فرهنگ می‌انجامد:

- آب‌نمک: - a saline solution/brine

این دو معادل دارای دو مفهوم کاملاً متفاوت‌اند. مراد از معادل اول «محللول پزشکی» است و دیگری «آب دریا». عدم توجه به معیارهای طبقه‌بندی به ارائه معادل‌هایی ابهام‌برانگیز انجامیده است.

1-simulation 2-modelling 3-cloning - شبیه‌سازی:

مشخص نبودن حوزه کاربرد در غالب موارد سبب شده تا به عنوان مثال در این مدخل سه معادل با حوزه معنایی و کاربردی خاص خود صرفاً با سه شماره متفاوت از

3) categorization

4) structural pattern

یکدیگر جدا شوند و به نحوی بر ابهام کاربران فرهنگ بیفزاید.

1- rotten, decayed 2- corrupt - فاسد:

بی توجهی مؤلف به توضیح حوزه و کاربرد معنایی در خصوص مدخل‌هایی از این دست در جای جای فرهنگ به چشم می‌آید. به عنوان مثال، rotten به «میوه و سبزیجات فاسد» و corrupt به «فرد فاسد» اشاره دارد. decayed هم واژه‌ای کم‌کاربرد است که عمدتاً صورت اسم و فعل آن به شکل decay کاربرد دارد. رعایت مقولۀ طبقه‌بندی است که می‌تواند به ارائه معادل‌هایی مناسب و بدون ابهام بینجامد.

1- [شخص] corrupt 2- [کره] rancid

3- [میوه] rotten 4- [تخم مرغ] addled

- زندانبان: - the jailor, a prison guard, the turnkey

از سه معادل ارائه‌شده، معادل سوم واژه‌ای کهنه است که به هیچ وجه نمی‌تواند از لحاظ سطوح کاربردی با دو معادل دیگر برابر باشد.

- اعجوبه: - a prodigy, a whiz-kid

بررسی این دو معادل نیز نشان‌دهنده عدم توجه به سطوح زبانی در ارائه معادل‌هاست. واژه prodigy کاربردی رسمی و واژه whiz-kid کاربردی محاوره‌ای دارد.

- دربه‌در: - wandering from place to place, homeless, vagrant

از تعریف ناقص اول که بگذریم، معادل دوم، یعنی homeless، از لحاظ دامنه کاربرد هیچ همخوانی‌ای با واژه vagrant، که کاربردی حقوقی و رسمی دارد، ندارد.

۴-۵ نحوه ارائه مدخل‌ها

نحوه ارائه مدخل‌ها نیز با ناهماهنگی‌هایی جدی همراه است و به هیچ وجه از الگویی منظم و تعریف‌شده پیروی نمی‌کند. در مواردی، فعل زیرمجموعه مدخل و در جایی

دیگر خود در قالب مدخل آمده است، ذکر نمونه‌هایی از این بی‌نظمی ضروری است:

* دل‌غشه گرفتن زیرمجموعه مدخل «دل‌غشه» آمده است.

- دل‌غشه

- دل‌غشه گرفتن

- دل‌غشه‌آور

* فعل جماع کردن در قالب مدخلی جدا به این شکل آمده است که ظاهراً ترتیب

الفبایی آن رعایت شده است.

- جماع

- جماعت

- جماع کردن

* در مدخل‌ها کردن، می‌بینیم که این فعل در قالب یک مدخل جدا و بدون

رعایت ترتیب الفبایی به این نحو آمده که متفاوت از دو الگوی فوق است.

- ها

- ها کردن

- ها

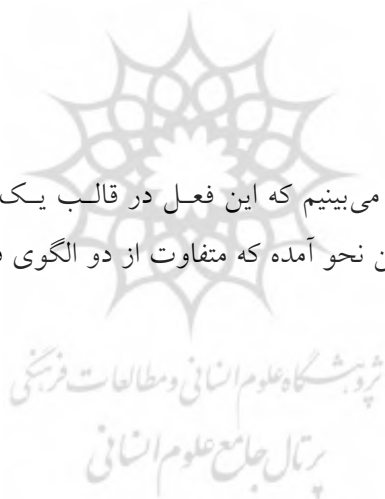
- هاپو

- هاتف

- هاج و واج

نمونه‌هایی از این بی‌نظمی در ارائه مدخل‌ها، به خصوص در مورد افعال، در جای

جای فرهنگ مشهود است.



۵-۵ ضرب‌المثل‌ها، مجازها و اصطلاحات

فرهنگ کیمیا به سبک و سیاق دیگر فرهنگ‌ها حاوی برخی ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، تعبيرات و مجازهاست که البته با اشکالات و کاستی‌های متعددی همراه است که می‌توان آنها را در این موارد خلاصه کرد:

۵-۵-۱ معادل‌های خودساخته

در مواردی مؤلف به خلق معادل‌های خودساخته و عجیبی دست زده که هیچ مفهومی در زبان انگلیسی ندارند و صرفاً ترجمه تعریف ضرب‌المثل یا عبارتی فارسی در فرهنگ‌های فارسی و به‌ویژه فرهنگ سخن است:

* تافته جدا بافته:

- one who thinks he or she is sb special and expects preferential treatment

نخست آنکه، به خلاف نظر امامی، این عبارت یک ضرب‌المثل نیست. دوم آنکه این عبارت دقیقاً ترجمه تعریف فرهنگ سخن برای این اصطلاح در زبان فارسی است که به هیچ وجه در زبان انگلیسی کاربرد ندارد. در فرهنگ سخن می‌خوانیم: «(مجاز) آن‌که وضعیتی غیر از همه دارد، یا آن‌که خود یا دیگران امتیاز ویژه‌ای برایش قایل هستند». سوم آنکه معادل مناسب این واژه در انگلیسی be the cats whiskers/pajama است.

* زاغ سیاه کسی را چوب زدن:

- to keep sb under observation, to keep an eye out for sb's movements

نخست آنکه معادل ارائه‌شده دقیقاً ترجمه تعریف آن در فارسی است و به هیچ وجه نمی‌تواند معادلی مناسب برای آن در انگلیسی باشد. مضاف بر آنکه معادل این واژه در انگلیسی to spy on/into است.

۲-۵-۵ ارائه تعریف به تنهایی یا ارائه تعریف در کنار معادل

ارائه تعریفِ صرف یا ارائه تعریف در کنار معادل، رویه‌ای غیرمعمول و نادرست است که صرفاً به مدخل‌های معمول فرهنگ خلاصه نشده و در خصوص ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات نیز شاهد آن هستیم. مثال:

* خود را هفت قلم آرایش کردن:

(said of women) to apply make up in the fullest sense of the word

نخست آنکه معادل ارائه‌شده معادلی مناسب در زبان انگلیسی برای این اصطلاح نیست و صرفاً تعریفی از مفهوم آن می‌باشد. دوم آنکه برای این اصطلاح در زبان انگلیسی معادل رایج و پرکاربرد *be dressed to kill* کاربرد دارد.

* دست شکسته وبال گردن است:

- one has to bear the trouble caused by one's family members or closed friends

* گلیم خود را از آب کشیدن:

- to be capable of looking after one's interests (esp at a time of danger)/ to manage to stay high and dry/ to pull one's chestnuts out of the fire

در این مورد نیز ابتدا یک تعریف از مفهوم این مثل و معادلی برای آن ارائه شده است. در خصوص معادل ارائه‌شده نیز یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که اصطلاح انگلیسی *to pull one's chestnuts out of the fire* نه بدین معنا که به معنای «خود را به آب و آتش زدن» است.

۳-۵-۵ معادل‌های اشتباه

در موارد متعددی معادل‌های ارائه‌شده برای اصطلاحات و مثل‌های فارسی، در زبان انگلیسی معانی و مفاهیمی دیگر دارند که به مواردی از این دست نیز اشاره می‌شود.

* لقمه را دور سر خود چرخاندن: -to beat about the bush (prov)

نخست آنکه این عبارت در انگلیسی به معنای «[در سخن] حاشیه رفتن» است. دوم آنکه در زبان انگلیسی معادل ارائه‌شده از سوی امامی ضرب‌المثل نیست و سوم آنکه معادل این اصطلاح در انگلیسی to do sth the hard یا to do sth in a roundabout way way است.

* چهاردیواری اختیاری: - an Englishman's home is his castle

معادل ارائه‌شده در زبان انگلیسی به معنای «گدا در خانه خود پادشاه است»، می‌باشد.

۵-۶ کاستی و عدم هماهنگی در نشانه‌ها و قلم خطوط

اگرچه فرهنگ دارای راهنمای کوتاه‌نوشت‌ها، علائم اختصاری و نشانه‌های خاص حوزه‌های معنایی و علائم آوایی است، اما در توزیع آن برخی کاستی‌ها به چشم می‌خورد که در دو بخش به آنها اشاره می‌شود:

۱-۵-۶ کاستی در نشانه‌ها

در جدول فهرست حوزه‌های معنایی فرهنگ که در صفحهٔ سیزده آمده است، علامت اختصاری واژه‌های بخش «بهداشت» به شکل (hygi) آمده است که مخفف واژه hygiene (= بهداشت) است، اما در مقابل واژهٔ کاپوت این علامت به شکل (hyg) ضبط شده است.

در همین فهرست، علامت اختصاری واژه‌های «نظامی» (mili) است که مخفف واژهٔ military (= نظامی) است، اما می‌بینیم که در مقابل واژه‌های نظامی «توپ» و «گشت زدن» به شکل (milit) آمده است.

در فهرست، واژه‌های مربوط به حوزه موسیقی با علامت (mus) که مخفف واژه music است معرفی شده‌اند، حال آنکه در مقابل واژه «تحریر» صورت کامل آن یعنی music آمده است.

در فهرست مذکور، در مقابل واژه‌های مربوط به حوزه تئاتر علامت (thea) که مخفف واژه theater است ذکر شده، اما در مقابل واژه «تمرین» این علامت به شکل (theat) آمده است.

توضیح علائمی چون [vi] و [vt],[n],[adj],[bef],[extr],[rhet] و نیز علامت □، که در جای جای فرهنگ دیده می‌شود، در فهرست اختصارات نیامده است.

۲-۶-۵ قلم خطوط

در خصوص قلم خطوطِ واژه‌های انگلیسی هیچ توضیحی در فرهنگ نیامده، در حالی که شاهد آن هستیم که واژه‌های بسیاری به شکل مورّب یا ایتالیک آمده‌اند که از آن جمله می‌توان به howdah (= هودج)، halal (= حلال)، arrack (= عرق)، kebab (= کباب)، pension (= پانسیون)، afreet (= عفريت)، khaki (= خاکی)، attar (= عطر)، bund (= بند)، bazaar (= بازار)، hashish (= حشیش)، henna (= حنا) و ... اشاره کرد.

در کنار این واژه‌های انگلیسی شاهدیم که برای معادل برخی واژه‌های فارسی، که در انگلیسی برای آنها معادلی وجود ندارد، صورت آوانویسی شده آنها آمده است که از آن جمله می‌توان به qottab (= قطاب)، dotar (= دوتار)، zarb (= ضرب) و ... اشاره نمود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا این واژه‌ها به این شکل آمده‌اند؟ اگر دسته دوم را صورت آوانویسی شده واژه‌های فارسی برای واژه‌هایی بدانیم که در زبان انگلیسی معادل ندارند، پس چه ارتباطی با گروه اول دارند؟

اگر دسته اول را واژه‌هایی با ریشه فارسی یا عربی بدانیم که بدین شکل ضبط

شده‌اند، تعداد قابل توجه دیگری از واژه‌های انگلیسی از اصل فارسی یا عربی در فرهنگ وجود دارد که به شکل متعارف آمده‌اند که از آن جمله می‌توان به azure, checkmate, sandal, sofa, tulip, percale divan, pistachio, borax, alfalfa, talc اشاره کرد.

به علاوه در این بین واژه‌ای چون pension (= پانسیون) که برگرفته از فرانسوی است، به چه علت به شکل مورّب نوشته شده است؟
یا در خصوص واژه gatch که در زبان انگلیسی به «گچ» به‌کاررفته در معماری‌های ایرانی» اشاره دارد، چرا واژه صرفاً کوچک‌تر از واژه‌های دیگر ضبط شده و شکل مورّب پیدا نکرده است؟

۵-۷ غلط‌های املائی و چاپی

غلط‌های چاپی کتاب بیش از حد معمول است که به مواردی از این دست نیز اشاره می‌شود:

* معادل واژه «سبک‌مغز» (ص) به شکل flightly آمده که درست آن flighty است.
* معادل واژه «ادرار کردن» به شکل mictuate ضبط شده که صحیح آن micturate است.

* معادل واژه «کشاورز» framer آمده که farmer درست است.
* در ذیل مدخل «بارورسازی» عبارت «بارورسازی ابرها» به شکل «بارورسازی ابرها» آمده است.

* در صفحه ۵۶۹ واژه «عاجزانه» به اشتباه «عاجرانه» چاپ شده است.
* معادل واژه «ابتر» doek-tailed آمده که باید docktailed باشد.
* در خصوص واژه «تلکه» شاهدیم که برای تعریف نادرست ارائه‌شده که به

هیچ‌وجه نمی‌تواند معادل این واژه باشد، شماره ۱ آمده، اما خبری از شماره ۲ نیست.

* در آوانویسی مدخل «- خانه» (ص ۳۴۵) که شکل پسوندی دارد به جای [xâ.ne] به اشتباه [xa.ne] آمده است.

* مدخل «محاچه» و «محاچه کردن» (ص ۷۹۳) به شکل [mo.hâ.je] آمده در حالی که باید به شکل [mo.hâj.je] یعنی به تشدید «ج» بیاید.

* در معادل انگلیسی واژه «بی‌شخصیت» (ص ۱۶۶) واژه lacking به شکل laking آمده است.

۵-۸ آشفستگی در رسم‌الخط فارسی

رعایت یکدستی و پیروی از رسم‌الخط پذیرفته و معیار فارسی در هر اثری و به‌ویژه در یک فرهنگ ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. به‌رغم این ضرورت، شاهدیم که این مهم در فرهنگ کیمیا با آشفستگی‌هایی همراه است. در این بخش به مواردی از آن اشاره می‌شود:

* ضبط سرهم واژه‌هایی چون «ابوابجمع»، «سختپوستان»، «شطرنج‌باز»، «تاریخ‌گذاری»، «یکطرفه»، «نامنویسی»، «باغبان‌باشی» و... به چه علت و مبتنی بر کدام منبع است؟

زمانی این آشفستگی بیش از پیش مشهود می‌نماید که مدخل «یکطرفه» به این شکل و در ذیل آن «خیابان یک طرفه» به شکل جدا آمده است. یا واژه «سختگیرانه» به شکل سرهم و واژه «سخت‌گیری» جدا از هم آمده است. نگاهی به شکل ضبط آشفته واژه‌های «تاریخ گذاشتن»، «تاریخ‌گذاری»، «تاریخ‌گیری»، «تاریخ‌نگار» و «تاریخ‌گرایی» خود گواهی بر این ناهماهنگی است.

۵-۹ ضعف در ارائه مقولات یک واژه در قالب مدخل‌ها

از دیگر کاستی‌های جدی این فرهنگ می‌توان به ضعف و ناهماهنگی آن در ارائه

نظام‌مند مقولات یک واژه اشاره کرد. در مورد بعضی کلمات، بدون هیچ دلیل مشخصی به صورت‌های اسمی و فعلی و صفتی یک واژه اشاره شده ولی، در مواردی دیگر، تنها به صورت اسمی یک واژه پرداخته شده است و اثری از دیگر مقوله‌ها و به‌ویژه صورت فعلی واژه‌ها نیست. به علاوه فقدان صورت‌های قیدی، که خلأ آن در اکثر موارد مشهود می‌نماید، بر این ضعف می‌افزاید.

در این بخش به مواردی از این دست اشاره می‌شود:

* «تمرکز» و «تمرکززدایی» در قالب دو مدخل آمده است، اما اثری از صورت پرکاربرد فعلی آن یعنی «تمرکز کردن» و «تمرکززدایی کردن» وجود ندارد.

* «بخشش» در قالب صورت اسمی وجود دارد، اما اثری از «بخشش کردن» وجود ندارد.

* واژه‌های «بدیهه»، «بدیهه‌سرا» و «بدیهه‌سرایی» ذکر شده است، اما صورت فعلی آن نیامده است.

* «پایکوبی» در قالب صورت اسمی آمده، اما صورت فعلی آن یعنی «پایکوبی کردن» ذکر نشده است.

* صورت‌های «ماجرا»، «ماجراجویی»، «ماجراجویانه» و «ماجراجویی» در فرهنگ آمده، اما صورت فعلی آن یعنی «ماجراجویی کردن» ضبط نشده است.

* صورت اسمی «متورم» در فرهنگ آمده، در حالی که صورت پرکاربرد «متورم شدن» ذکر نشده است.

* «مجادله» در قالب صورت اسمی آمده، اما صورت پرکاربرد آن یعنی «مجادله کردن» ضبط نشده است.

* صورت صفتی «نیست و نابود» ذکر شده، در حالی که صورت فعلی پرکاربرد آن «نیست و نابود کردن» نیامده است.

تنها تورقی در کتاب می‌تواند دامنه سؤال‌برانگیز این کاستی را بیش از پیش، پیش‌روی ما بگشاید.

۶ نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طور که اشاره شد، مؤلفه‌ها و مبانی فرهنگ‌نگاری نوین ابزاری در راستای سنجش فرهنگ‌ها محسوب می‌شوند. از این رو، در این پژوهش، بر پایه این مؤلفه‌ها و مبانی سعی بر آن بوده است تا ضعف‌ها و کاستی‌های برجسته فرهنگ فارسی به انگلیسی کیمیا، که تا حد زیادی نتیجه پیروی نکردن از این مؤلفه‌هاست، بررسی و معرفی گردد تا از این رهگذر هم بیش از پیش اهمیت این اصول آشکار گردد و هم کاستی‌های این فرهنگ که در حال حاضر جدیدترین و به نحوی مطرح‌ترین فرهنگ دوزبانه فارسی به انگلیسی شناخته می‌شود، آشکار شود.

البته در این پژوهش تلاش بر آن بوده تا تنها با توجه به برخی مؤلفه‌های فرهنگ‌نگاری و نقد فرهنگ به ابعادی از کاستی‌های فرهنگ کیمیا پرداخته شود. بی‌شک کاستی‌های این فرهنگ تنها در این موارد خلاصه نمی‌شود و موارد و موضوعات دیگری نیز وجود دارد که یا بدان پرداخته نشده یا پرداختن دقیق‌تر بدان توجه و همت پژوهشگران و فرهنگ‌نگاران را می‌طلبد.

به نظر ما این بررسی می‌تواند گامی ولو کوچک در اصلاح و بازنگری این فرهنگ باشد، فرهنگی که بی‌تردید در عرصه فرهنگ‌نگاری و به‌ویژه فرهنگ‌های فارسی به انگلیسی گامی به پیش محسوب می‌شود و به‌یقین دوام نام آن و نیز زنده ماندن یاد مؤلف آن در این حوزه در گروی بازبینی، نقد و اصلاح اساسی آن بر پایه مؤلفه‌های فرهنگ‌نگاری نوین و سود جستن از دستاوردها و مبانی زبان‌شناسی است، مبانی و دستاوردهایی که خارج از توان و تصور مؤلف آن بوده و فقدان یا کم‌توجهی بدان‌ها در جای جای اثر بازتاب دارد.

شکی نیست که اصلاح و بهبود وضع فرهنگ‌نگاری در جامعه ما، از سویی، در گروی توجه بیش از پیش به مقوله فرهنگ‌نگاری در قالب یک علم مجهز به مبانی و مؤلفه‌های مشخص و نظام‌مند و، از سویی دیگر، نیازمند نقد علمی فرهنگ‌های موجود، به‌ویژه فرهنگ‌های جدید است.

منابع

- امامی، کریم (۱۳۸۳)، «در راه و بیراهه فرهنگ‌نگاری»، مترجم، س ۱۳، ش ۳۸، ص ۳۷-۴۳.
انوری، حسن (سرپرست) (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، سخن، تهران.
باطنی، محمدرضا (۱۳۸۵)، فرهنگ پویا (انگلیسی - فارسی)، فرهنگ معاصر، تهران.
جعفری، محمدرضا (۱۳۸۳)، فرهنگ نشر نو، دانشیار، تهران.
حق‌شناس، علی محمد و دیگران (۱۳۸۱)، فرهنگ هزاره (انگلیسی - فارسی)، فرهنگ معاصر، تهران.
قانع‌فرد، عرفان (۱۳۸۴)، نخستین درس‌های فرهنگ‌نگاری، بهنود، تهران.
قطره، فریبا (۱۳۸۶)، «نقش زبان‌شناسی در فرهنگ‌نویسی امروز»، فرهنگ‌نویسی، دوره ۱، ش ۱، ص ۶۸-۹۵

وثوقی، حسین (۱۳۸۲)، واژه‌شناسی و فرهنگ‌نگاری در زبان فارسی، باز، تهران.
هاشمی میناباد، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ‌نگاری، دفتر دوم، فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی: نشر آثار، تهران.

Cook, G. (2003), *Applied Linguistics*, Oxford University Press.

Jackson, H. (2002), *Lexicography, An introduction*, Routledge, London & New York.

Kaplan, R. (2002), *The Oxford Handbook of Applied Linguistics*, Oxford University Press.

